

### متن پرسش

باعرض سلام خدمت شما استاد گرامی از اینکه این کاربر زیاد سوال میفرستد پوزش میطلبم . از این حیث که سوال زیاد است و هنگامی هم که مطالب و مباحث دینی را مدام دنبال میکنم سوالات متفاوتی برایم آشکار میشود که در نتیجه مزاحم شخص جنابعالی میشویم . وقتی می بینیم که سوال هایمان با آن حجم بالا را که در چند صفحه است میخوانید و جواب میدهید خودمان خجالت میکشیم . از این حیث ببخشید دیگر. اجرتان با مولانا حجت بن الحسن (ع). من خودم حوزوی نیستم اما مباحث دینی را بسیار علاقه دارم و خیلی دنبال میکنم . با یکی از دوستان حوزوی صحبت میکردم ایشان معتقد بود که تمام مطالب از اهل بیت به دست ما نرسیده است ، میخواستم بپرسم این حرف ایشان چقدر صحت دارد ؟ و آیا ما حدیثی و یا اشاره ای از خود معصوم داریم که تلقی حرف ایشان باشد . حال این حرف دوستانمان از یک طرف و حدیث حضرت حجت که می فرمایند : .... (فارجعوا الی روات حدیثنا ) از سوی دیگر . من در ذهن خودم بررسی میکردم دیدم که اگر به حدیث حضرت بنگریم و در زمان غیبت به روایات کنندگان حدیث مراجعه کنیم باب اجتهاد بسته میشود و تکیه به قرآن و حدیث میگردد ، و اگر به حرف دوست حوزوی امان بنگریم نتیجه اش گشوده شدن باب اجتهاد در ( فقه ، اصول ، کلام ، فلسفه ، تفسیر و....) باز میشود . حال شاید هم برداشت من اشتباه بوده است ، میشود کمی توضیح بدهید ؟ و اگر شما با باز شدن باب اجتهاد موافق هستید در خصوص شیخ صدوق و مرحوم مجلسی میشود کمی توضیح بدهید که چرا این بزرگواران بیشتر به تقلین اکتفا میکردند ؟ و آیا برداشت من از این دو بزرگوار صحیح است ؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مسلم است وقتی در محضر امام معصوم باشیم و یا برای موضوعی روایات روشنی داشته باشیم دیگر اجتهاد معنا ندارد، اجتهاد در موقعی است که امام معصوم حضور ندارند و در موضوعی نظر صریح از شریعت نیست. آری متأسفانه روایات زیادی به خاطر حوادثی از دست رفته ولی اگر آن روایات هم بود و به همان اندازه تکلیف ما روشن می‌گشت ولی به خاطر موضوعات جدید، باز در زمان غیبت امام معصوم ما نیاز به مجتهد و اجتهاد داریم. مسلم مرحوم مجلسی و صدوق نیز مجبور بودند در موضوعات جدید اجتهاد کنند. موفق باشید